

Journal iranian political sociology

Vol. ۵, No.۷, Mehr ۲۰۲۲

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.286734.1731>

Assessing the identity crisis in changing societies: Case study of the formation of the Niqab coup (Nojeh)

Abstract

The reference to the category of "identity" has been studied in different periods and in different societies, especially the transformed societies that have faced a revolution. Intellectuals and modernist writers searched for contemporary history. Basically, identity is not considered static and unchanged, and its main components are always transformed. For this reason, the issue of identity seems to be important for every generation. The lack of a unified consensus at the beginning of the revolution in some levels led to the formation of an identity crisis and the emergence of new obstacles in the development of the Islamic Revolution. Societies undergo change in the early years with instability and events that change the revolutionary path and move away from goals. One of the most probable crises in this situation is the occurrence of a coup d'etat, which after the victory of the Islamic Revolution of Iran, the discovery of the Niqab coup, which according to some officials, some aspects of which have remained silent so far, shows its grounds. The research method is descriptive-analytical, data collection is documentary and library, cross-sectional and variable time is qualitatively studied and applied purpose. A detailed study of the reasons for planning the Niqab coup and its study clearly shows that the crisis of individual identity, one of the most important types of political crises, has played a decisive role in the formation of this coup.

Keywords: Identity crisis, coup, masked coup, Iraq, Iran

بررسی بحران هویت در جوامع دستخوش تغییر:
مطالعه موردی شکل گیری کودتای نقاب (نوزده)

سعید مکوندی گوداژدر^۱

دکتر لنا عبدالخانی^۲

دکتر فریدون اکبر زاده^۳

دکتر روح الله شهابی^۴

چکیده

اشاره و پرداختن به مقوله «هویت» در ادوار مختلف و در جوامع گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است علی الخصوص جوامع تحول یافته ای که با یک انقلاب مواجه شده باشند، در جامعه ایران بحث هویت سابقه ای طولانی دارد و به نوعی می توان ریشه آن را در اندیشه روشنفکران و نویسندگان نواندیش تاریخ معاصر به بعد جستجو کرد. اساسا هویت امری ایستا و بدون تغییر قلمداد نمی شود و همواره مؤلفه های اصلی آن دچار دگرگونی می شوند. به همین دلیل، به نظر می رسد که مسئله هویت برای هر نسل امری حایز اهمیت قلمداد می شود. فقدان اجماع نظر واحد در اوایل انقلاب در برخی سطوح زمینه شکل گیری بحران هویت و در نتیجه ظهور موانعی جدید در مسیر توسعه انقلاب اسلامی گردید. جوامع دستخوش تغییر در سالهای ابتدایی با بی ثباتی و حوادثی درگیر می باشند که مسیر انقلابی را دگرگون و از اهداف دور می نمایند. از محتمل ترین بحران ها در این شرایط وقوع کودتا می باشد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشف کودتای نقاب که بنا به گفته برخی مسئولین، ابعادی از آن تا کنون مسکوت مانده زمینه های آن را نشان می دهد. روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی، جمع آوری داده ها به صورت اسنادی و کتابخانه ای، زمانی مقطعی و متغیر مورد بررسی کیفی و هدف کاربردی است. بررسی دقیق علل طرح ریزی کودتای نقاب و مطالعه جوانب آن به روشنی نشان می دهد، بحران هویت فردی از مهمترین اقسام بحران های سیاسی، نقشی تعیین کننده در شکل گیری این کودتا داشته است.

واژگان کلیدی: بحران هویت، کودتا، کودتای نقاب، عراق، ایران

^۱ دانشجوی دکترای علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۲ نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۴ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

اشاره و پرداختن به مقوله «هویت» در ادوار مختلف و در جوامع گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است علی الخصوص جوامع تحول یافته ای که با یک انقلاب مواجه شده باشند، در جامعه ایران بحث هویت سابقه‌ای طولانی دارد و به نوعی می‌توان ریشه آن را در اندیشه روشنفکران و نویسندگان نواندیش تاریخ معاصر به بعد جستجو کرد. اساساً هویت امری ایستا و بدون تغییر قلمداد نمی‌شود و همواره مؤلفه‌های اصلی آن دچار دگرگونی می‌شوند. به همین دلیل، به نظر می‌رسد که مسئله هویت برای هر نسل امری حایز اهمیت قلمداد می‌شود چرا که این چالش زمینه تغییرات در دیگر سطوح یا ساختار سیاسی و اجتماعی را فراهم آورد. فقدان اجماع نظر واحد در اوایل انقلاب در برخی سطوح زمینه شکل‌گیری بحران هویت و در نتیجه ظهور موانعی جدید در مسیر توسعه انقلاب اسلامی گردید.

اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تنی چند از سران ارتش رژیم شاهنشاهی ایران و با تمرکز افسران نیروی هوایی برای بازگرداندن شاپور بختیار، حذف امام خمینی و نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی کودتایی را طرح ریزی کردند که در ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۹ با دستگیری و کشته شدن تعدادی از عوامل آن فاش شد. در اهمیت این طرح نظامی که عملیات نقاب خوانده می‌شد باید گفت که فقط دوماه بعد از شکست آن، حزب بعث عراق به دستور آمریکا طرح حمله‌ی نظامی به ایران را عملی ساخت.

معمولاً نظامیان در فضای سیاسی کشور های دیکتاتوری حضوری پررنگ دارند. کنشگری سیاسی نظامیان به صورت مستقیم (کودتاهای نظامی و رژیم‌های برخاسته از آنها) و غیرمستقیم (میراث‌های نهادی به جا مانده از دخالت نظامیان در سیاست مانند قوه مجریه قدرتمند و قوای قضائیه و مقننه ضعیف) یکی از ویژگی‌های حکمرانی در کشورهای دیکتاتوری به خصوص کشورهای خاورمیانه است.

با توجه به نظام سیاسی پهلوی و عدم استقلال ارتش و وابستگی شدید ارتش به شخص شاه (فرمانده کل قوا) چیزی که در کودتای نقاب مورد توجه است طرح این پرسش است که عوامل و انگیزه های محرک رفتار سیاسی نظامیان در آن چه بود و چه عواملی نظامیان را به حمایت از یک جریان سیاسی (شاپور بختیار) و یا مخالفت با آن سوق می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی به بررسی مناسبات نظامی مدنی در ایران پس از انقلاب می‌پردازد. مبنا و معیار تحلیل نظریه های مطرح در زمینه مناسبات نظامی مدنی با رویکرد جامعه شناسی سیاسی است. لازم به ذکر است این پژوهش با تمرکز بر عوامل درونی جامعه ایران، تحولات این کشور را پس از انقلاب مورد بررسی قرار داده و از بررسی نقش بازیگران خارجی چشم‌پوشی کرده است.

نیروگیری عمومی ارتش از میان اقشار مختلف مردم موجب حفظ پیوند بدنه ارتش با جامعه و وفاداری به ارزشها و خواسته های اجتماعی می شود این سربازگیری به مدنی شدن نظامیان می انجامد و از دخالت های نابجای آنها در سیاست جلوگیری می نماید در مورد کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه یکی از اولین نظریه پردازان ساموئل فایر است که دیدگاه خود را در کتاب «مرد اسب سوار، نقش نظامیان در سیاست» بیان کرده است. از دید وی میزان دخالت نظامیان در سیاست به فرهنگ سیاسی بستگی دارد. در فرهنگ های سیاسی پایین نسبت به کشورهایی که دارای فرهنگ سیاسی توسعه یافته هستند احتمال دخالت نظامیان در سیاست به مراتب بیشتر است. (ربانی، ۱۳۸۳)

بدنه ارتش ایران وظیفه اولیه خود را در دفاع از کشور در مقابل تهدیدهای خارجی می دید و از این رو در قبل از انقلاب در مسائل مربوط به امنیت داخلی دخالت گسترده نداشت و آن را به سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) واگذار کرده بود. علیرغم این که فعالیت های سیاسی فراوانی علیه امنیت ملی صورت می پذیرفت ارتش فعالیت مستقیم و گسترده ای در مقابله با آنها انجام نمی داد. نقش نظامیان در تامین امنیت داخلی همواره محدود به آموزش نیروهای شبه نظامی، برگزاری دادگاه برای متهمان، خنثی سازی اقدامات درون ارتشی و حمایت از نیروهای امنیتی در برخی عملیات های خاص بود.

در جریان انقلاب ایران نیز، علیرغم حمایت کامل سران ارتش از نظام شاهنشاهی، به دلیل ارتباط بدنه پایینی ارتش با جامعه، در نهایت ارتش ناچار به اعلام بیطرفی و پذیرش با تردید انقلاب گردید. ارتباط بدنه میانی و پایینی ارتش با جامعه نیز از طریق سربازگیری های گسترده و فراخوان های خدمت وظیفه عمومی در کنار استخدام های سالیانه حفظ شده بود.

پس از انقلاب با عزل و اعدام برخی سران ارتش و پاکسازی گسترده در سطح میانی ارتش و علیرغم تاکید امام بر لزوم حفظ ارتش، تعدادی از بدنه میانی و پایینی ارتش جذب برنامه کودتای نقاب گردیدند که علل و عوامل آن در این تحقیق مورد بررسی قرار می گیرند.

علیرضا حمیدی در پژوهش زمینه ها و پیامدهای کودتای نوژه به بررسی زمینه ها و پیامدهای کودتای نوژه پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد آمریکا برای مقابله با حکومت نوپای جمهوری اسلامی ایران و برگشتن به موقعیت و منافع سابق خود در ایران، کودتای نوژه (نقاب) را با سلطنت‌طلبان و دیگر مخالفان داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران طرح‌ریزی کرد اما با لو رفتن و شکست کودتا، آمریکا و دیگر دشمنان منطقه‌ای و جهانی نظام جمهوری اسلامی ایران، حمله نظامی صدام به ایران را به عنوان آخرین گزینه مورد استفاده قرار دادند. (حمیدی، ۱۳۹۸)

امین آبادی در پژوهشی که به نحوه چگونگی کشف و خنثی سازی کودتای نوژه می‌پردازد، اذعان دارد که شکست آمریکا در صحرای طبس موجب شد تا آمریکا طرح‌های خرابکارانه خود را ادامه و به حمایت مستقیم از ضدانقلابیون و تحریک آنان و همچنین پشتیبانی از رژیم بعث عراق، در مرحله پس از شکست کودتا بپردازد. اعترافات برخی از سران دستگیر شده کودتای نوژه نیز نشان می‌دهد که بحث تقدم و تأخر این دو توطئه در میان طراحان و استراتژیست‌های آمریکایی مطرح بوده و سرانجام قرار شد طرح کودتا که کم‌هزینه‌تر، مؤثرتر و سریع‌تر است، اجرا و در صورت شکست آن، از راه‌حل طولانی‌تر و پرهزینه‌تر تحمیل جنگ استفاده شود. (امین آبادی، ۱۳۹۳)

اصغر محمدی در پژوهشی که بازتاب انقلاب اسلامی بر روابط ایران و آمریکا را بررسی نمود، به معرفی تضاد ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی و آمریکا پرداخت و اشغال لانه جاسوسی، قطع منافع استعماری آمریکا در ایران، کودتای نوژه، تشویق عراق به جنگ با ایران و حمایت همه جانبه از آن کشور در طول جنگ تحمیلی، حمله به سکوها و اسکله‌های نفتی ایران در اواخر جنگ، حمله به هواپیمای مسافربری ایران و ... را به عنوان مهمترین خصومت بین ایران و آمریکا معرفی نمود. (محمدی، ۱۳۸۹)

عبداله شهبازی نیز در کتاب کودتای نوژه معتقد است پس از شکست عملیات نجات در طبس و بمباران مشکوک تجهیزات به جای مانده به دستور بنی صدر، طرح کودتای نوژه در دستور کار سازمان سیا قرار گرفت که به دنبال شکست و نافرجامی کودتا طرح تجاوز نظامی به خاک ایران در قالب یک جنگ نیابتی از طرف رژیم بعث در دستور کار قرار گرفت. سپس ملاقات‌های جداگانه‌ای بین صدام و بختیار و نیز صدام و برژینسکی در بغداد صورت پذیرفت تا در صورت اشغال خوزستان، بختیار تحت عنوان ایران آزاد در این استان اعلام خودمختاری نموده، در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی تشکیل حکومت دهد.

با بررسی پژوهش‌های فوق روشن می‌گردد، بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص کودتای نقاب بر عوامل سیاسی و نظامی تاکید داشته و تا کنون پژوهش مستقلی بر روی نقش بحران هویت در کودتای نقاب صورت نپذیرفته و تحقیق حاضر از این نظر موضوعی بدیع محسوب می‌گردد.

ایران سالهای پایانی دهه پنجاه، جامعه ای انقلابی و دستخوش تغییر بود که تحول هویتی عظیمی در آن صورت پذیرفته بود. تغییر یک مفهوم نسبی است و بر همین اساس باید به صورت طیفی به آن نگریست. لذا برخی تغییر سیاسی را یک مفهومی طیفی می دانند که در دو سوی آن، تغییر رفتار و تغییر ترتیبات قدرت حاکم بر جامعه قرار دارد. تغییر ترتیبات قدرت بر اساس مواردی مانند نوع و میزان شرکت کنندگان در تغییر، میزان سازمان یافتگی و برخورداری از رهبری و میزان اثرپذیری از ایدئولوژی و آرمانهای سیاسی قابل تقسیم بندی است. در سوی دیگر طیف تقریر سیاسی تغییر و تعدیل رفتار قرار دارد. تغییر سیاسی در یک کشور، فارغ از اینکه در چه سطحی صورت گرفته، می تواند منبث از عوامل مختلفی باشد. بطور کلی می توان سه نوع عامل که منجر به تغییر سیاسی می شود را در نظر گرفت؛ عوامل داخلی، خارجی و ترکیب این دو. زمانی که شرایط برای ایفای نقش بازیگر خارجی در اثر گذاری بر تغییر، چه به صورت انحصاری و چه به صورت ترکیبی با عوامل داخلی فراهم شد، در عمل رقابت برای الگوسازی میان بازیگران خارجی قابل بررسی خواهد شد.

بحران ها روزبه روز بیشتر و قوی تر می شوند و بطور گسترده ای در شبکه های اجتماعی منعکس میشوند. بحران نمادی از تراژدی فقدان است ولی علاوه بر آن یکی از فاکتورهای مهم در تغییرات اجتماعی است. (Seeger, Ulmer, ۲۰۰۳ & Sellnow)

در واقع بحران های سیاسی گونه ای از بحران های اجتماعی اند که بر حسب اهمیت و آثاری که در جامعه بر جای می گذارند، عمومی یا خاص و جزئی خطاب می شوند. بحران سیاسی در سطح امنیت داخلی، گردهمایی های مسالمت آمیز مکرر و بیان درخواست ها، اقدامات تخریبی با برد اندک، متوسط و گسترده، و اقدامات برای براندازانه و درخواست فروپاشی نظام سیاسی، توأم با سازماندهی یا بدون سازماندهی، و در سطح امنیت سرزمینی، اقدامات تجزیه طلبانه و اشغال نظامی توسط یک نیروی خارجی را شامل می گردد.

بحران های سیاسی داخلی شرایط نامتعارفی است که معمولاً در ساختار سیاسی یک کشور پدیدار می شود و بر حسب ماهیت، زمان، دامنه، شدت و نوع عوامل درگیر در آن شامل اشکال گوناگونی است؛ برای نمونه می توان به مبارزه شدید و گسترده بین احزاب و سازمانهای سیاسی رقیب برای کسب قدرت، ایجاد اختلافات شدید بین جناح های مختلف حکومت، کودتای نظامی، اعتصاب های دامن دار، شورش های خیابانی، درگیری های قومی و مانند آن اشاره کرد. (Mc Carthy, ۱۹۹۸)

اندیشمندان زیادی بحران ها را دسته بندی و مبناهایی را برای تفکیک آنها در نظر گرفتند، اما معروف ترین تقسیم بندی بحران های سیاسی به لوسین دبلیو پای^۵ تعلق دارد و از شش بحران شامل بحران هویت^۶، بحران مشروعیت^۷، بحران نفوذ^۸، بحران مشارکت^۹، بحران ادغام^{۱۰} و بحران توزیع^{۱۱} سخن می گوید.

^۵ Lucian w.pye.

^۶ Identity

بحران هویت

هویت، مجموعه منسجمی از باورها، اعتقادات، آیین‌ها و دیگر زمینه‌هایی از این دست است. هرگاه فرد نتواند با میراث‌های فرهنگی، اعتقادی و دینی ارتباط برقرار کند، دچار بحران هویت می‌شود. در بحران هویت، دولت در پی ایجاد احساس هویت ملی و تعلق به آن است. هر اندازه ارزش‌ها و باورها و اعتقادات دینی، ملی و مذهبی قوی‌تر باشد و آموزه‌های فرهنگ ملی مستحکم‌تر باشد، احتمال وقوع بحران هویت پایین می‌آید.

هویت به یک موضوع جنجالی در دنیای مدرن امروزی تبدیل شده است و علائم خود را با بینش‌هایی از جامعه‌شناسی، روانشناسی سیاسی و اجتماعی در تئوری هویت تجمیعی بدست می‌آورد. (Ehala, ۲۰۱۸)

در بحران هویت فرد تصویر مناسب و مفید از خود ندارد و با محیط و خود درگیر است، اما در بحران هویت اجتماعی نوعی احساس بیگانگی از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و تنفر از آنها دیده می‌شود. فرد به عناصر فرهنگی جامعه (مذهبی قومی و ملی) چندان تعلق خاطر ندارد و مهمتر از همه اینکه متوجه ارزش‌ها و هنجارهای دیگر است، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ بیگانه که در تضاد با فرهنگ وی است. (کوشا، ۱۳۸۷)

همانگونه که از تعریف هویت بر می‌آید این مفهوم دارای عناصر سازنده‌ای است از جمله مهمترین آنها می‌توان به ارزش‌های ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی اشاره کرد. ارزش‌های ملی تمامی مشترکات فرهنگی اعم از سرزمین، زبان، نمادهای ملی، سنتها و ادبیات را شامل می‌شود. ارزش‌های دینی تمام مشترکات دینی و فرهنگی دینی را شامل می‌شود. ارزش‌های جامعه‌ای به اصول قواعد و هنجارهای اجتماعی نظر دارد و ارزش‌های انسانی به کلیه اصول و قواعد انسانی فارغ از هر گونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی برای نوع بشر در نظر دارد.

هویت ملی در حوزه سیاسی به این صورت شکل می‌گیرد که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی عضو یک نظام سیاسی هستند و داخل مرزهای ملی یک کشور زندگی می‌کنند و موضوع یا مخاطب قوانین آن کشور هستند از لحاظ روانی هم خود را از اعضای آن نظام سیاسی بدانند. به طور کلی در رابطه با هویت ملی ایرانی ۴ دیدگاه عمده وجود دارد:

دیدگاه	ناسیونالیسم ایرانی	آموزه‌های مارکسیستی	فرهنگ مشترک	تجددگرایی
مشخصه	ضدیت با اسلامیت	فرهنگ و هویت	به همبستگی ذاتی	طرفدار تقلید

^۷ Legitimacy

^۸ Penetration

^۹ Participation

^{۱۰} Merger

^{۱۱} Distribution

کامل از الگوهای غربی هستند و هویت ملی را در غربی شدن به تمام معنا می‌دانند.	ولاینفک میان اسلامیت و ایرانیت توجه خاص می‌شود.	ملی تابعی از عنصر زیربنایی اقتصاد است و از این رو مفهوم خلق جایگزین ملت شده است.	و عرب ستیزی و تلاش برای پالایش زبان فارسی از واژگان عربی و حتی غربی کردن آن	گروه‌های طرفدار
نهیض آزادی و جبهه ملی	امام خمینی و روشنفکران دینی	گروه‌های چپ و حزب توده	پان ایرانیست‌ها	

شکل ۱. چهار دیدگاه عمده در خصوص هویت ملی ایرانی

دوران پهلوی دوم با مهمترین مسئله عصر حاضر یعنی تجدد و نوسازی مواجه بود. در واقع پروژه جدید نوسازی در دوره پهلوی دوم با انقلاب سفید شاه در سال ۱۳۴۱ شروع شد و در این دوره هویت ایرانی با تعریف دوباره و عدم توجه به عناصر دینی ادامه یافت و بر سنت‌های باستانی به عنوان ارکان اساسی هویت ملی تاکید می‌شد. برگزاری مراسم تاجگذاری شاه در سال ۱۳۴۶، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و تغییر تقویم هجری شمسی به تقویم شاهنشاهی، از جمله این اقدامات بود. (زرگر و آریانفر، ۱۳۸۸)

کودتا

اصل کلمه کودتا^{۱۲} به زبان فرانسه است و به معنای برافکندن دولت است. کودتا عبارت است از انتقال ناگهانی و قهرآمیز قدرت از دست گروه حاکم به دست گروهی دیگر که از درون نظام قدرت حاکم علیه گروهی حاکم قیام کرده‌اند. کودتا مشخص می‌کند که چگونه دوستان نزدیک به دشمن تبدیل می‌گردند. (Turtledove, ۲۰۱۲) این واژه از اواخر قرن هفدهم در ادبیات سیاسی جهان رواج یافته است. در قرن نوزدهم و بیستم، کودتا را به دو معنی به کار برده‌اند:

- شورش گروه‌هایی از هیئت حاکمه علیه گروه دیگر که غالباً با تکیه بر ارتش و نیروی نظامی صورت می‌گیرد.
- تغییر ناگهانی رویه دولت حاکم علیه جنبش‌های اعتراضی مردمی و استفاده شدید و سرکوب‌گرانه از ارتش علیه نیروهای مردمی و انقلابی.

دریک تحلیل عمیق ترووق کودتا از یک سو به خواست و انگیزه‌ی آگاهانه برخی از نیروهای نظامی وازسوی دیگر به شرایط سیاسی و اجتماعی بستگی دارد. وقتی مشروعیت سیاسی نظام، کارایی نهادهای سیاسی و مشارکت مردم درسیاست بالا باشد، احتمال وقوع کودتا کاهش می‌یابد. درچنین شرایطی میزان مقاومت درمقابل

^{۱۲} Coup D'etat

اقدامات نظامیان افزایش پیدامی کند. از لحاظ تجربه تاریخی نیز کشورهای کودتاخیز بوده اند که فاق دجامعه مدنی نیرومند و ساختار حزبی جا افتاده و افکار عمومی سازمان یافته بوده اند (بشیریه، ۱۳۸۰)

کودتا در نظام های دیکتاتوری و فراگیر^{۱۳} ممکن است در درون دستگاه رهبری سیاسی روی دهد و گروهی با توطئه و دسته بندی، قدرت را از دست گروه حاکم بدر آورند، ولی رایج ترین صورت آن، که در جهان امروز بسیار روی می دهد، قیام علیه دستگاه رهبری سیاسی کشور از درون ارتش و افتادن قدرت به دست ارتشیان یا دست به دست گشتن آن در میان ایشان است. اینگونه کودتا در کشورهایی روی می دهد که نهادهای سیاسی حاکم بنیان استواری ندارند، و در نتیجه، ارتش امکان می یابد که با قدرت سازمان یافته ی خود وارد صحنه ی سیاسی شود و در تعیین چگونگی آن عامل درجه اول شود. فرق کودتا با انقلاب آنست که کودتا ناگهانی است و با توطئه و از درون ساخت قدرت موجود انجام می شود، اما انقلاب انباشت نارضایتی مردم از قدرت حاکم است که به صورت انفجاری قهرآمیز علیه قدرت روی می دهد. (آشوری، ۱۳۸۱)

از مهم ترین نمونه اینگونه کودتاها، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران علیه حکومت ملی دکتر مصدق و کودتای ژنرال پینوشه علیه حکومت ملی و بهبودخواه سالوادور آلنده در شیلی است. روی هم رفته کودتاها را می توان از لحاظ ماهیت و عملکرد سیاسی به سه گروه تقسیم کرد:

- نخست کودتاهایی که توسط نظامیان علیه حکومت های ارتجاعی و واپس گرا در جامعه فاقد توسعه سیاسی و اجتماعی صورت می گیرد. این گروه از معمولاً با رویکرد مثبت ارزیابی شده و خود را ناجی ملت تلقی می کنند برای این گروه می توان به کودتای افسران آزاد در مصر در سال ۱۹۵۲ میلادی اشاره نمود.
- نوع دوم کودتایی است که توسط نظامیان محافظه کار و احتمالاً واپسگرا علیه یک حکومت مردمی و مرفقی صورت می گیرد. این دسته از کودتاها همانند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران با توجه به شرایط داخلی و حمایت سرویس های اطلاعاتی قدرت های خارجی، عموماً خائنانه تلقی می گردد. گفته می شود تنها ایالات متحده ی آمریکا از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۹۱ حدود ۹۵ کودتا طرح و به مرحله ی اجر ا گذارده است.
- نوع سوم که شایع ترین نوع کودتا است توسط بخشی از نیروهای مسلح علیه بخش دیگری از همان نیروها انجام می گیرد. این نوع با جابه جایی نخبگان قدرت و بدون تغییرات ملموس در ساختارهای سیاسی و اجتماعی بارها در کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا اتفاق افتاده است و به کودتاها ی خانوادگی مرسوم می باشند. (ازغندی، ۱۳۸۷)

کودتای نقاب (نوزه)

از دیدگاه روانشناسی نظرات متفاوتی درباره شکل گیری هویت و بحران آن وجود دارد. اریکسون، الگوی سازمانی و نهادینگی شکل گیری هویت را بر اساس نظریه روانی-اجتماعی رشد بیان داشته است. نظریه

^{۱۳} توتالیتار

شناختی، رشد هویت را تابع تکامل شناختی می‌داند و شناخت را به منزله عنصر تحولی اخلاقیات، معناجویی و هدفمندی زندگی به شمار می‌آورد. در نظریه اریکسون چنانچه تعارض بین هویت و سردرگمی نقش در این مرحله از رشد حل نشود، نتیجه آن بحران هویت است که با ویژگیهای آشفتگی نقش مشخص میشود. (مجدآبادی و فرزاد، ۱۳۹۱)

از دیدگاه اریکسون هویت از امتزاج خودپنداره های خصوصی و اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. پیامد این انسجام از تداوم فردی یا همخوانی درونی است. اریکسون تاکید بسیار زیادی بر اهمیت رشد احساسی از هویت قائل بود. او از جهات فراوانی، یافتن احساس هویت را، تکلیف عمده زندگی فردی می‌دانست. به عقیده اریکسون هویت ممکن است از دوره منحرف شود. ممکن است پیش از آن که رشد کند تثبیت شود (یعنی پیش از موعد شکل بگیرد)، و یا اینکه بدون هیچ محدودیتی گسترش یابد.

کجروی‌های سیاسی و اجتماعی مانند کودتا، شورش‌های دسته جمعی، ناهمخوانی‌های اجتماعی، درگیری‌های خیابانی، و ... علائمی از بحران و آشفتگی هویت هستند. وقتی عده ای که به لحاظ شخصیت از جامعه دور و از هم گسیخته هستند و جامعه آنها را به عنوان یک انسان همسو نمی‌نگرد، در کنار هم جمع می‌شوند و یک گروه یا انبوهه را تشکیل می‌دهند؛ این وضعیت، زمینه ساز انواع انحرافات اجتماعی خواهد شد. به عنوان مثال جوانانی که دارای کار و شغل مناسبی نیستند، در کنار هم جمع می‌شوند و این حالت آشفتگی، زمینه ساز و پیش زمینه انواع انحرافات و آسیب‌های اجتماعی خواهد بود.

فرد در خلال مرحله شکل‌گیری هویت احتمال دارد شدیدتر از هر زمان دیگر چه در گذشته و چه در آینده از نوعی سردرگمی و آشفتگی نقش‌ها یا همان چیزی که اریکسون «آشفتگی هویت» می‌نامد، رنج ببرد. این حالت سبب می‌شود وی احساس کند منزوی، تهی، مضطرب و مردد شده است. احساس می‌کند که باید تصمیم‌های مهمی بگیرد لیکن قادر به انجام دادن این کار نیست. احساس می‌کند که جامعه به او فشار می‌آورد تا تصمیم‌هایی اتخاذ کند اما او مقاومت می‌کند.

در دی ماه ۱۳۵۸ یکی از هواداران شاپور بختیار به نام مهندس قادسی^{۱۴} نمودار سازمانی را تهیه کرد و نام آن را نقاب متشکل از حروف اول نجات قیام ایران بزرگ گذاشت. (کودتای نوژه، ۱۳۸۷) این سازمان دارای شورایی شامل مسئول تهران، مسئول امور شهرستانها، مسئول امور وزارتخانه‌ها، مسئول امور دانشگاه‌ها، انتشارات و تبلیغات، مسئول امور ایلات و مسئول امور چریکی بود. پایگاه هوایی حر (شاهرخ) در همدان مرکز فرماندهی این کودتا بود. فرماندهی کل کودتا به دست سپهبد خلبان سید سعید مهدیون، فرمانده سابق نیروی هوایی در دولت موقت و رهبری قسمت نیروی هوایی این کودتا بر عهده سرتیپ خلبان آیت محقق، فرمانده پایگاه هوایی

^{۱۴} شهردار آبادان پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و از مسئولین سیاسی کودتا

همدان بود. آغاز کودتا از پایگاه هوایی شهید نوژه^{۱۵} همدان برنامه ریزی شده بود و به همین دلیل پس از کشف و سرکوب به کودتای نوژه شهرت یافت.

شاخه نظامی پس از تلاشهای فراوان، موفق شد حدود شصت خلبان و پانصد تن از افراد فنی و نظامی، را برای شرکت در عملیات جذب کند. در خارج از تهران بیش از همه لشکر ۹۲ زرهی اهواز مورد توجه کودتاگران بود و سرهنگ عزیز مرادی علاوه بر بسیج و تسلیح شیوخ وابسته به عشایر عرب، وظیفه توجیه و جذب نیروهای داخل لشکر را بر عهده داشت. لشکر ۸۱ باختران و لشکر ۱۶ قزوین نیز تا حدودی با عوامل کودتا هماهنگ شده بودند. همچنین مقرر شده بود نیروهای شبه نظامی در روز کودتا در نقاط مختلف تهران اقدام به ایجاد آشوب و درگیری نمایند. گروههای شبه نظامی تا بیست و چهار ساعت می‌بایست مطابق برنامه عمل می‌کردند و پس از آن می‌توانستند عملیات را به ابتکار خودشان پیش ببرند.

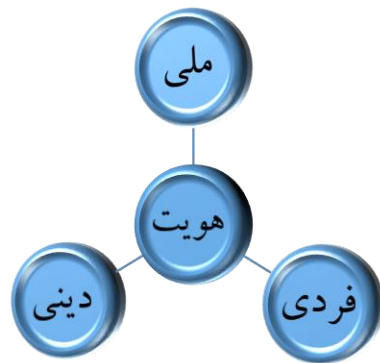
یکی از فعالیتهای مهم شاخه سیاسی کودتا تلاش جهت جلب حمایت تعدادی از روحانیون بود. آنان با شناخت کامل از جامعه ایران، نسبت به نقش مذهب و مشروعیت حاصل از آن در نظر مردم غافل نبودند. لذا از همان ابتدا به مثابه دیگر نیازهای کودتا، جایگزینی یک رهبر مذهبی را به جای امام خمینی (ره) مدنظر داشتند و برای این منظور بهترین گزینه را آیت‌الله شریعتمداری تشخیص دادند. دو عامل سبب این انتخاب شده بود. یکی ناآرامی‌هایی که "حزب جمهوری خلق مسلمان" در حمایت از ایشان به راه انداخته بود و کودتاگران امیدوار بودند با جلب حمایت آیت‌الله شریعتمداری حمایت این حزب و اکثریت مردم استانهای آذری زبان را به دست آوردند. دیگر این که بختیار زمانی که در تدارک تصدی سمت نخست‌وزیری بود، به حمایت شریعتمداری از اقدام خود در برابر حضرت امام به عنوان مرجع شیعیان جهان اطمینان حاصل کرده بود. بدین ترتیب شریعتمداری بهترین گزینه در میان روحانیون برای همکاری و تایید کودتا به حساب می‌آمد.

این مسأله برای جذب افراد جدید و کسانی که در همکاری با کودتاگران دچار تردید شده بودند، بسیار مفید واقع شد. اکثر افراد، کودتا را مورد تأیید روحانیون و وسیله نجات ایران و اسلام می‌پنداشتند. در واقع این اقدامات سران کودتا در راستای نزدیکی جستن به روحانیون با این اهداف صورت می‌گرفت که روحیه افراد را برای انجام عملیات کودتا چنان قاطعانه و خشن تقویت کنند که آنان بدون عذاب وجدان و تردید به هر عملی علیه مردم و دولت جمهوری اسلامی اقدام کنند. پس از لو رفتن کودتا، ستاد هماهنگی ختنی‌سازی توطئه متشکل از سپاه پاسداران و نیروی هوایی شکل گرفت و قرار بود دستگیری و تعقیب توطئه‌گران توسط این ستاد انجام پذیرد.

^{۱۵} پایگاه سوم نیروی هوایی تا قبل از انقلاب «پایگاه شاهرخی» نامیده می‌شد. پس از پیروزی انقلاب، به «پایگاه حر» تغییر نام یافت. به دنبال واقعه پاره در دهه سوم مرداد ماه ۱۳۵۸ و صدور فرمان تاریخی امام در ۵/۲۷/۵۸ خطاب به نیروهای مسلح جهت پاک سازی کردستان از عناصر آشوبگر، یکی از خلبانان حزب الهی پایگاه حر «نوژه» به یاری شهید چمران شتافت و در ماموریت های کردستان به شهادت رسید. به همین مناسبت نام پایگاه حر مجدداً تغییر کرد و پایگاه شهید «نوژه» نام گرفت. علت اینکه کودتای نافرجام ۵۹/۰۴/۱۸ به کودتای نوژه موسوم گردیده، آن است که کودتاگران این پایگاه را به عنوان نقطه ی آغازین کودتا انتخاب کرده بودند.

یافته های تحقیق

همانگونه که از تعریف هویت بر می آید این مفهوم دارای عناصر سازنده ای است که از جمله مهمترین آنها می توان به ارزش های ملی، دینی و فردی اشاره کرد .



شکل ۲. عناصر سازنده هویت

بررسی منابع، حوادث و سخنان عوامل درگیر در حادثه کودتا نشان می دهد ، اکثر دست اندرکاران کودتا دچار بحران هویت بوده و به همین دلیل جذب آن شده اند و برای هر کدام از انواع دسته بندی های بحران هویت (ملی ، دینی و فردی) می توان مواردی را بر شمرد :

الف) بحران هویت ملی :

۱. بیشترین تمرکز کودتاگران در بخش نیروی زمینی معطوف به لشکر ۹۲ زرهی اهواز بود؛ زیرا که این لشکر در منطقه ی خوزستان حضور داشت و رابطه سنتی با عشایر عرب و بختیاری این منطقه برقرار کرده و رابط کودتاگران باشیوخ عرب عشایر در منطقه به عهده ی سرهنگ هادی عزیزمرادی بود. او علاوه بر ملاقات هایی که با این افراد برای جذب آنها به سوی اهداف کودتا داشت، مساعدت های لازم را به عمل می آورد و برای داشتن منطقه خود مختار در ناحیه ی خوزستان بعد از پیروزی کودتا، به آنها وعده های خاصی می داد^{۱۶}. (نجف پور، ۱۳۹۶)
۲. بنا بر اعترافات دستگیرشدگان، قرار بود که قبل از انجام رسمی کودتا و در روزهای قبل از ۱۸ تیر ۱۳۵۹ با هماهنگی های انجام شده میان بنی عامری، قادسی و رکنی با سران بویراحمادی ها، قشقایی ها، بختیاری ها و بلوچ ها، تحرکات و آشوب هایی در مناطق مرکزی ایران شکل گیرد. به گونه ای که توجه نیروهای پاسدار و کمیته در پایتخت کاهش یابد. (نجف پور، ۱۳۹۶)
۳. در آذربایجان شرقی بقایای حزب خلق مسلمان، در آذربایجان غربی و در باختران گروه آشوب طلب پالیزبان، در خوزستان بخشی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز به اضافه ی افراد خود فروخته عشایر به فرماندهی سرهنگ عزیزمرادی،

^{۱۶} آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، پرونده هادی عزیز مرادی ، شماره بازبایی ۱۸۴۶۳

دراصفهان و کهگیلویه و بویراحمد، دسته‌هایی از عوامل کودتا در عشایر ایل بختیاری و بویراحمدی، در فارس باند خسروشقایب، در خراسان قسمتی از لشکر پیاده‌ی مشهد و در بلوچستان سران مرتبط با کودتا. همچنین در استان های هرمزگان و کرمان اقدامی متفاوت اما با همان شیوه و وسعت و با هماهنگی با (سازمان چریک های فدایی) شاخه‌ی اشرف دهقان در دست اجرا بود. (کودتای نوزده، ۱۳۸۷)

ب) بحران هویت دینی :

۱. به نظر می‌رسد علت انتخاب آقای شریعتمداری از سوی طراحان جایگاه مرجعیت و محبوبیت او نزد عده‌ای از مردم آذربایجان غربی و شرقی بود که از قبل انقلاب وجود داشت. در واقع این حرکت روانکاوای از سوی سران و فرماندهان کودتا در راستای تقویت روحیه‌ی اعضا و نیروهای عمل‌کننده در کودتا بود تا با اجرای عملیاتی قاطع و خشن بر ضد نظام جمهوری اسلامی بدون عذاب وجدان و منع شرعی به پیروزی کودتا موفق شوند.
۲. از دیگر منابع اطلاعاتی در کشف و خشتی سازی کودتا که اهمیت ویژه‌ای داشت، نقش ایمان در نگاه مذهبی و اعتقادی یک خلبان بود. رفتار خلبانی که ماموریت بمباران منزل امام خمینی (ره) را در اجرای کودتا داشت، قبل از هر اقدامی وجدان بیدار، همراه با رفتار اخلاقی اش که نتیجه‌ی داشتن ریشه‌ی مذهبی و دینی او است همراه با ریشه‌ی فرهنگی در اصل احترام به مادر و ترس از عاقبت عملش بود. در انجام کارش ابتدا با تردید مواجه شد. سپس با یقین به باطل بودن چنین طرح جنایتکارانه‌ی از انجام آن پرهیز کرد. در جریان افشای کودتای نقاب در عین تشویش و نگرانی، آن خلبان به دلیل ترس از عواقب این افشاگری - که می‌توانست جان خود و خانواده اش را به خطر اندازد - به علت وجود همان باور مذهبی و تربیت دینی از راهی که در پیش گرفته بود منصرف نشد. زمانی هم که تصمیم به افشای طرح کودتا گرفت، به هیچ کس اعتماد نداشت به جز شخصیت روحانی و مذهبی آیت الله خامنه‌ای که در آن زمان نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع بودند. (نجف پور، ۱۳۹۶)
۳. شاید یکی از مهم‌ترین نتایج این کودتا بتوان سوءاستفاده‌ی طراحان این توطئه از اعتقادات و ایمان مذهبی بسیاری از اعضای ساده لوح این کودتا در اجرای این عمل ننگین و خیانت بار دانست، آنجاکه سران کودتا به این واقعیت رسیده بودند که پرسنل شاغل در بخش‌ها و یگان‌های مختلف در ارتش از اعتقادات و ایمان مذهبی بالایی برخوردارند و اگر فتوا و سخنان مراجع تقلید مذهبی در امور و موضوعات مهم اجتماعی و سیاسی پیشاپیش یک برنامه و تحول قرار گیرد راه رسیدن به هدف سریع تر صورت می‌گیرد؛ بنابراین با استفاده از شخصیتی چون آیت الله شریعتمداری با داشتن مقام مرجعیت و مخالفت و حسادت او با رهبری امام خمینی (ره) در نهضت اسلامی مردم ایران، به سران کودتا این فرصت را داد تا با استفاده از حربه‌ی مذهبی به فریب تعدادی از خلبانان و پرسنل نیروی هوایی بپردازند. چنانچه با استناد به اینکه این کودتا مورد تایید شریعتمداری می‌باشد و تلاش داریم تا یک اسلام نوین را در سطح مملکت پیاده کنیم به افرادی که نسبت به ماموریت واگذار شده دچار بیم و تردید بود، اطمینان خاطر می‌دادند. (سرابندی، ۱۳۸۳)

همین اعتقاد و استواری در ایمان مذهبی و شناخت صحیح در بحرانی ترین شرایط و آگاهی درست از مرجعیت حقیقی و ولایت امر مسلمین به آن خلبان آگاه، بصیرتی داد تا در لحظه ای سرنوشت ساز، حماسه ای تاریخی برای خود و کشورش رقم زند. (نجف پور، ۱۳۹۶)

ج (بحران هویت فردی :

۱. بخش عمده ای از نیروهای جذب شده در کودتا از میان مجموعه ای بودند که در پی پیروزی انقلاب بدون هیچ طرح مشخص و جامعی فقط در راستای دشمنی و کینه ی کورکورانه، علیه جمهوری اسلامی عمل می کردند. (مانند ارتشبد غلامعلی اویسی، ارتشبد ازهار، ارتشبد بهرام آریانا، ارتشبد زاهدی، همچنین نیروهای متواری ساواک و سران گروهک های ضد انقلاب که در خارج از کشور برای خود حزب، دسته و گروه تشکیل داده بودند. در واقع برخی از عناصر داخلی که با پیروزی انقلاب اسلامی مقام و شان اجتماعی شان را از دست داده بودند و سوسه شدند تا با انجام اقداماتی در راستای دشمنی و کینه علیه جمهوری اسلامی عمل نمایند. (روزی طلب، ۱۳۹۳)
۲. تیمسار آیت محقق، فرماندهی عملیات هوایی کودتا، در دوره ی رژیم شاه فرمانده پایگاه یکم شکاری مهرآباد بود. آیت محقق در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ دستگیر و تا ۲۵ تیر ۱۳۵۸ در زندان بود. دلیل آزادی وی عفو امام خمینی بود. محقق در دوران بازداشت به شدت دچار مشکل مالی شد؛ به گونه ای که در نامه های متعدد به دادستانی انقلاب تهران خواستار کمک های مالی به خانواده اش می شود. بعد از آزادی همین مسئله سبب شد تا محقق به سمت اجرای کودتای نقاب کشانده شود و به سرعت جذب ستاد کودتا شود. در حالیکه پرونده ضد اطلاعات او نشان می داد که از لحاظ سیاسی و عاطفی وابستگی چندانی به رژیم پهلوی ندارد. (روزی طلب، ۱۳۹۳)
۳. ستوان سیاوش پورفهمیده از دیگر عوامل کودتای نقاب (نوزده) در بخشی از اعترافاتش درباره جذب نیروها، ادعان داشت که رهبران شاخه ی نظامی بیشتر به دنبال جذب آن دسته از افراد بازنشسته ارتش بودند که بعضاً از مشکلات مالی رنج می بردند. به این افراد تاکید می شد که افشای هرگونه اطلاعات به مرگ آنها منجر خواهد شد و لذا اکثر آنها از چگونگی انجام کودتا هیچ اطلاعی نداشتند^{۱۷} (نجف پور، ۱۳۹۶)
۴. در دیگر لشکرهای نیروی زمینی نیز لشکر ۷۷ خراسان و ۸۱ باختران، لشکر قزوین و ستاد نیروی زمینی عوامل نفوذی از عناصر کودتا تعیین شده بود. در نیروی دریایی پیش بینی هایی برای اشغال قرارگاه نیروی دریایی به وسیله ی عوامل سازماندهی شده در این نیرو، که توسط فردی به نام علی رضا ژیان عضوگیری شده بودند، به انجام می رسید. این یاریگیری در ارتش بیشتر بر مبنای سوء استفاده از مشکلات مالی کارکنان، که بعد از انقلاب بازنشسته شده بودند، بنا شده بود. (نجف پور، ۱۳۹۶)

۵. گازیورسکی از قصد بنی عامری برای گسیل یزن بهادرها و زنان بدنام به خیابان های تهران ، به سبک کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خبر می دهد که ترتیبی داده بودتا ۲۰۰ نفر از یزن بهادرها و ۱۰۰۰ زن بدنام به سوی قسمت های مرکزی شهرراه پیمایی کنند و با سردادن شعارهای ضد رژیم (اسلامی) دیگر گروه های معترض را ترغیب کنند تا به ایشان بپیوندند. او دستور داده بود تا واحدهای نظامی، شهر را تسخیر و هر تظاهرات دیگری را سرکوب کنند. (گازیورسکی، ۲۰۰۲)

۶. درکیف ستوان ناصر رکنی (مسئول روابط عمومی کودتا) بیش از یک میلیون تومان پول کشف شد که قرار بود از آن پول، به هریک از خلبان های همکار با کودتا بین صد تا صد و پنجاه هزار تومان و به درجه داران تا ده هزار تومان پرداخت کند.

بنابه اعترافات ستوان قایق ور، عاملان کودتا، یک روزمانده به آغاز عملیات، یک میلیون و پانصد هزار تومان را میان سی یا چهل نفر تقسیم کردند (سرابندی، ۱۳۸۳)

سعید حجاریان که بازجوی ستوان ناصر رکنی بود عقیده داشت وی ، شخصیت برجسته ای نداشت و کودتا چیان معمولاً بی جنبه و سست عنصر بودند و پیچیده نبودند. (روزی طلب، ۱۳۹۳)

نتیجه گیری

به طور کلی و از مجموع اعترافات دستگیرشدگان در جریان کشف کودتای نقاب (نوژه)، استنباط می شود که قدرت کودتاگران بعد از پیروزی حول سه محور در اداره ی حکومت متمرکز خواهد شد :

- قدرت نظامیان و ارتشیان کودتاگر که به عنوان معاندین انقلاب و وابستگان به رژیم پهلوی همچنان در ارتش حضور داشتند و یا در شمار نیروهای تصفیه شده از ارتش بودند.

- حضور روحانیت سازشکار که در هدایت کودتاگران و توجیه شرعی کودتا دخالت داشتند و مشروعیت کودتا را صادر می کردند.

- گروه ها و جناح های سازش کار و ملی گرا که هسته ی اصلی و بدنه ی سیاسی کودتا را بعد از پیروزی در امر حکومت و اداره ی کشور در دست می گرفتند.

همان گونه که از نظریات روانشناسان و جامعه شناسان می توان دریافت یکی از تکالیف عمده زندگی فردی یافتن احساس هویت می باشد که البته قابل انحراف نیز می باشد . در جامعه انقلاب و دستخوش تغییر ایران نیز، عده ای از کارکنان ارتش که به لحاظ شخصیت از جامعه دور و از هم گسیخته بودند و جامعه آنها را به عنوان یک انسان همسو نمی نگرست (و یا گمان می کردند که اینگونه باشند) در کنار هم جمع شده و یک گروه را بوجود آوردند و عدم رفع تعارض بین هویت و سردرگمی جایگاه آنها، زمینه ساز انحرافات از جمله اقدام به کودتای نظامی گردید.

در یافته های تحقیق مشخص شد، دلایل و انگیزه های عوامل کودتا را می توان در سه دسته اصلی بحران هویت (هویت فردی ، هویت ملی و هویت دینی) تقسیم بندی کرد که با توجه به اعترافات و بررسی های صورت گرفته، بحران هویت فردی بیشترین نقش را در توجیه و پذیرفتن نقش در کودتا ایفا نموده است .

لذا با توجه به اینکه هویت امری ایستا و بدون تغییر قلمداد نمی شود و همواره مولفه های اصلی آن دچار دگرگونی می شوند، به نظر می رسد که اگر شرایط خاص و بحرانی اوایل انقلاب، توطئه های گوناگون دشمنان انقلاب و همچنین خیانت و سوء استفاده بعضی افراد از عطف نظام اسلامی که سبب بی اعتمادی به ایشان شد، باعث تسریع در صدور حکم اعدام و حبس تعدادی از متهمان نمی شد، پس از مدتی تعدادی از افراد شرکت کننده در کودتا با توجه به روشن شدن مسائل و آگاهی از بازیچه قرار گرفتن خود، هویت واقعی خود را می یافتند و به دنبال جبران اشتباه خود می بودند. کما اینکه تعدادی از این افراد که به اعدام و حبس محکوم شده بودند و تکمیل پرونده آنان تا آغاز جنگ تحمیلی به درازا انجامید با روشن شدن مسائل، توبه واقعی کرده و تقاضای جبران اشتباه خود را نمودند که با رأفت جمهوری اسلامی و مهلت دادن به آنها که البته با ریسک بسیار زیادی همراه بود توانستند با، بازیابی هویت واقعی خود خدمات بسیار ارزنده ای در زمان جنگ به جمهوری اسلامی نمایند و تعدادی از آنان در این راه به فیض عظمای شهادت نائل آمدند.

منابع

- ازغندی و ع. (۱۳۸۷). ارتش و سیاست. تهران: انتشارات قومس.
- آشوری و د. (۱۳۸۱). دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب های سیاسی). تهران: انتشارات مروارید.
- آقایی و ع. و و. رستمی و ف. (۱۳۸۶). پا به پای ازادگان، خاطرات امیر سرتیپ عبدالله نجفی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- امین آبادی، ر. (۱۳۹۳). بی پرده با تاریخ، کشف و خنثی سازی کودتای نوژه. تهران. ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۳۸۹، ص ۷۳-۷۱
- براتعلی پور و م. (۱۳۹۵). مدیریت بحران های سیاسی در فرایند تثبیت انقلاب اسلامی. تهران: چاپ و نشر عروج.
- بشیریه و ح. (۱۳۸۰). دانش سیاسی. تهران: نشر نگاه معاصر.
- تاجیک و م. (۱۳۸۴). مدیریت بحران: نقدی بر شیوه های تحلیل و تدبیر بحران در ایران. تهران: فرهنگ گفتمان.
- حمیدی تهرانی و ع. (۱۳۹۸). زمینه ها و پیامدهای کودتای نوژه. تهران: دانشگاه البرز، دانشکده علوم انسانی.
- ربانی و ا. (۱۳۸۳). ارتش و سیاست. نشریه همبستگی ۲۰ و ۲۳
- رضوانی و ح. (تیر ۱۳۸۵). مدیریت بحران سازمانی. مجله تدبیر، شماره ۱۷۰.
- روزی طلب و م. (۱۳۹۳). صخره سخت، بررسی پرونده های امنیتی در جمهوری اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زرشناس و ش. (۱۳۸۳). واژه نامه فرهنگی، سیاسی. تهران: انتشارات کتاب صبح.
- زرگر و ا. و و. آریانفر و ک. (۱۳۸۸). دانستنی های سیاست (هویت ملی و قومی). تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- سرابندی و م. (۱۳۸۳). کودتای شب. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شاه علی و ا. (۱۳۸۵). انقلاب دوم، تسخیر لانه جاسوسی، آثار و پیامدها. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صادقی و س. (۱۳۸۹). تئوری های انقلاب. تهران
- علاقبند و م. (مرداد ۱۳۸۵). مهمترین بحران های اجتماعی ایران. اخبار روز www.akhbar_rooz.com
- علایی و ح. (۱۳۹۱). روند جنگ ایران و عراق. تهران: نشر مرز و بوم. جلد اول
- کامروا و م. (۱۳۸۷). تحلیل ساختاری از دولت های غیر دمکراتیک و آزادسازی سیاسی در خاورمیانه. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۴۱-۱۸۷
- کتیبه و م. (۱۳۹۲). مصاحبه. نشریه شاهد یاران، شماره ۹۳-۹۲، صفحه ۱۶.
- کودتای نوژه. (۱۳۸۷). تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
- کوشا و م. (۱۳۸۷). دانستنی های سیاست، هویت. تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات.
- گازیورسکی و م. (۲۰۰۲). طرح نوژه و سیاست های ایران. فصلنامه مطالعات خاورمیانه.

- گلیپور، م. (۱۳۸۷). شنود اشباح. تهران: کلیدر.
- مجدآبادی، ز، فرزاد، و. (۱۳۹۱). ساختارعاملی و همسانی درونی زیرمقیاس هویت سیاهه مراحل روانی اجتماعی اریکسون تهران: روانشناسی تحولی: روان شناسان ایرانی. سال نهم، شماره ۳۴.
- محمدی، ا. (۱۳۸۹). بازتاب انقلاب اسلامی بر روابط ایران و آمریکا از سال ۱۹۹۱ به بعد. قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- مشیری، (۱۳۹۷/۰۴/۱۲). <https://www.farsnews.com/>. خبرگزاری فارس.
- موسوی، و. س. (۱۳۶۰). کودتا و ضدکودتا. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نجف پور، م. (۱۳۹۶). دست خدا بر نقاب، بازجستی بر کودتای نقاب (نوزده). تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- یزدان پناه، م. (آبان ۸۱) برنامه ریزی و مدیریت بحران. مجله تدبیر، شماره ۱۲۷، صفحه ۵۱-۵۶.
- **Birou, A.** (۱۹۶۶). *Vocabulaire pratique des sciences sociales*. California: Éditions Économie et humanisme, les Éditions ouvrières.
- **Ehala, M.** (۲۰۱۸). *The Anatomy of Belonging*. London: Taylor & Francis Group.
- **Mc Carthy, S.** (۱۹۹۸). *The Function of Intelligence in Crisis Management*. London: Dartmouth Pub Co.
- **Seeger, M. W., Sellnow, T. L., & Ulmer, R.** (۲۰۰۳). *Communication and organizational crisis*. Praeger Publishers: Westport.
- **Turtledove, H.** (۲۰۱۲). *Coup D'etat*. New York: Random House Publishing Group.